

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به فراگیر شدن نام برجسته، ممتاز و درخشان شهید حججی در سراسر کشور در اثر مجاهدت و شهادت مظلومانه‌ی او ( شهید محسن حججی ) گفتند: همه‌ی شهدای ما مظلومند و غیر از محسن شما، شهدای دیگری نیز هستند که دشمن، سر از تن شان جدا کرده و همگی در نزد خداوند، عزیز و صاحب درجات هستند اما خدای متعال بر اساس حکمت خود و خصوصیات این جوان، او را نماینده و سخنگوی این شهیدان کرد.

### تأملی برای صیانت از عدالت

**رسالت:** چیزی از روز خبرنگار و یادآوری وظایف و رسالت خبرنگاری نمی‌گذرد؛ خبرنگار، عافیت طلب نیست و نمی‌تواند چشمش را به روی حقیقت ببندد؛ به طریق اولی نمی‌تواند خطایی را ببیند و ساکت باشد. شاید روزنامه رسالت در مدتی که جناب حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی در مسند قاضی القضااتی قرار گرفتند یکی از رسانه‌هایی باشد که بیشترین حمایت‌ها را انجام داده که البته جز بر مبنای حقیقت و عدالت طلبی نبوده است. بر همین اساس و اتفاقاً در زمان مبارزه موفق ایشان با فساد و مفسدین، بر خود، فرض و واجب می‌دانیم که نقاط تأمل برانگیزی که احیاناً در راه پر پیچ و خم برقراری عدالت پیش می‌آید را با زبان رسا بگوییم تا در مسیر برقراری عدالت، ناخواسته عدالت ذبح نشود. یکی از مسائلی که مرا وادار به نگارش این چند سطر کرد این بود که رویه دادگاه در علنی بودن و رسانه‌ای شدن جلسه قرائت کیفرخواست که اتهامات و ابهامات را در ذهن عموم مردم ایجاد کرد و در ادامه غیرعلنی شدن جلسه دفاعیات متهمین و رسانه‌ای نشدن آن، عدالت را به ذهن، متبادر نمی‌کرد.

در این فقره به اصل دعوای ارزی که بیش از هجده میلیارد دلار بود، ورود نمی‌کنیم و به همین پرونده که تنها یک درصد از حجم پرونده ارزی است می‌پردازیم. اما فراموش نکنیم مطالبات اصلی باید حول اصل ماجرا باشد و در اصلی و فرعی کردن قضایا اشتباه نکنیم. به علاوه از رسیدن به سرشاخه‌های اصلی و برخورد با آنان هم نهراسیم چرا که هیچ مصلحتی بالاتر از حقیقت طلبی وجود ندارد.

کیفرخواستی که در جریان رسیدگی به پرونده مدیران بانک مرکزی (ولی اله سیف، سید احمد عراقچی و سایرین) در دادگاه قرائت شد، از ابعاد گوناگونی قابل بررسی و تحلیل است. در این پرونده، خلاف سایر پرونده‌هایی که تا کنون در دادگاه‌های ویژه رسیدگی به مفاسد اقتصادی بررسی شده، تعداد قابل توجهی از متهمین، کسانی نیستند که به قصد کسب سود، اقدام به انجام معاملات غیر قانونی در بازار کرده باشند. بلکه کسانی هستند که با قصد کنترل نرخ ارز در بازار، اقداماتی را انجام داده‌اند که از نظر دادستان، غیرقانونی بوده است. لذا جنس متهمین در این پرونده با جنس متهمین در سایر پرونده‌ها تفاوت می‌کند. از سوی دیگر، نوع اقدامات انجام شده در این پرونده، با نوع اقدامات انجام شده در سایر پرونده‌ها تفاوت‌های اساسی دارد. در سایر پرونده‌های رسیدگی شده در دادگاه رسیدگی به مفاسد اقتصادی، غیرقانونی بودن عمل، کمتر مورد بحث و تردید قرار داشت و عمدتاً بحث‌ها راجع به ارتکاب یا عدم ارتکاب اعمال مزبور توسط متهمین بود. در این پرونده، بیشتر بحث‌ها حول

اختیارات بانک مرکزی و نقش آن در کنترل نرخ ارز در کشور است. لذا در حالی که در سایر پرونده‌ها مسائل حقوق کیفری اهمیت بیشتری دارند، در این پرونده مسائل حقوق اداری بیشتر مدنظر قرار گرفته‌اند.

### شکست عملیات فریب

**صبح نو:** از حدود دو ماه قبل، نمایندگانی از سمت یکی از دول اروپایی راهی تهران شدند و با ارائه طرحی نه‌چندان روشن که بعضاً در رسانه‌ها از آن به توقف در برابر توقف یاد می‌شد، تلاش کردند تا راهی برای توقف گام‌های مقابله‌به‌مثل ایران در برابر بدعهدی غرب بگشایند؛ البته کار به همین جا ختم نشد و علاوه بر پیام‌های کتبی، مذاکرات تلفنی متعددی نیز صورت گرفت. نکته مشترک این رایزنی با مورد نخست وزیر ژاپن، تلاش طرف غربی برای کشاندن جمهوری اسلامی به سوی مذاکره با ترامپ در حاشیه یک اجلاس بین‌المللی بود؛ اولی در گروه ۲۰ و دومی در گروه ۷ و اگر نشد در سازمان ملل. تحریم وزیر امور خارجه ایران یک ضربه جدی به این سناریو زد، چرا که عملاً سفر آقای روحانی به نیویورک را با اما و اگرهایی مواجه کرد. در مرحله بعد، توییت‌های نیمه‌صریح و صریح ترامپ بود که رییس‌جمهوری فرانسه را احق و سپس نالایق برای نمایندگی این کشور خواند. با این تفاسیر، واضح است که طرح اروپایی برای مذاکره با ایران، دست کمی از یک برنامه فریب نداشته تا اولاً در ایده گام سوم برای پاسخ به آمریکا تردید ایجاد کند و ثانیاً تصمیم‌گیران را دچار تردید کند. این وضعیت که احتمال شرطی شدن اقتصاد را بار دیگر به وجود آورده، قطعاً به زیان کشور است و موجب کندشدن اعمال اراده ملی، برای تقویت ساخت درون می‌شود؛ عملیات فریبی چندبعدی که به نظر می‌رسد به شکست انجامیده است.

### سنگ روی یخ

**جوان:** امانوئل ماکرون طی کمتر از سه ماه گذشته، شش بار تلفنی با حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران گفتگو کرده که برخی از این گفتگوها بیش از ۱۰۰ دقیقه طول کشیده است. اغلب اوقات گزارش‌هایی مبهم درباره این گفتگوهای پی‌درپی منتشر شده، ولی از صحبت‌های طرفین برمی‌آید که مسئله توافق هسته‌ای (برجام) که ایران از حدود سه ماه قبل کاهش تعهدات به آن را شروع کرده، محور اصلی گفتگوها است. ترامپ چندین بار خواستار گفتگو با ایران و دستیابی به توافقی جدید به غیر از برجام شده؛ موضوعی که ایران آن را رد می‌کند. اینکه ماکرون از طرف رئیس‌جمهور آمریکا، به عنوان میانجی با روحانی گفتگو می‌کند، هیچ‌گاه تأیید نشده، ولی چیزی که مشخص است اینکه رئیس‌جمهور فرانسه تلاش دارد دیدگاه‌های ایران و آمریکا را به همدیگر نزدیک کرده و از این طریق، از خروج ایران و فروپاشی قطعی برجام جلوگیری کند. ماکرون در گفت‌وگوی سوم خود که اوایل تیرماه ۱۳۹۸ انجام شد به حسن روحانی، در مورد خروج از برجام یا نقض توافق هسته‌ای هشدار داده و البته گفته بود تلاش خواهد کرد دونالد ترامپ را به تعلیق برخی تحریم‌های ایران ترغیب کند، موضوعی که البته ترامپ هم علیه آن موضع‌گیری نکرد. ترامپ همان موقع بدون تأیید میانجیگری ماکرون به خبرنگاران گفته بود مایل است با ایران برای رسیدن به یک توافق مذاکره کند: «پیام این است که وقتی آماده بودند به ما خبر دهند. هر وقت آن‌ها آماده‌اند، به ما خبر می‌دهند. به همین سادگی.»

### جزایر حباب خیز بورس تهران

**دنیای اقتصاد:** گرچه شائبه تشکیل حباب قیمتی در کل بورس را می‌توان رد کرد، اما نمی‌توان از حباب قیمتی در برخی بخش‌ها چشم‌پوشی کرد. سهام شرکت‌های کوچک‌تر بیش از دیگر شرکت‌ها با خطر ایجاد حباب مواجه هستند. بازار پایه فرابورس را شرکت‌هایی عمدتاً با ارزش بازار کوچک و شفافیت کمتر تشکیل می‌دهند که بستر مناسبی را برای جولان

نقدینگی فراهم آورده‌اند. رشدهای چندصد درصدی، سهام برخی از شرکت‌های پذیرش شده در این بازار از ابتدای سال وضعیت معاملاتی کنونی آنها را به منطقه هشدار نزدیک کرده است.

شاخص کل بورس تهران بازدهی حدود ۴۳ درصدی را از ابتدای سال تا پایان هفته گذشته به ثبت رساند. در حالی که برخی کارشناسان به پشتوانه الگوهای تاریخی از حساب در سهام خبر می‌دادند همان‌طور که در گزارش‌های پیشین نیز اشاره شد هیچ‌یک از الگوهای تاریخی نمی‌تواند حکم قطعی را درخصوص وضعیت سهام ارائه کند و تنها می‌تواند علائم هشدار را فعال کند تا بررسی دقیق‌تری از وضعیت ارائه شود. از طرفی آنچه در روزهای گذشته بر سهام فشار وارد کرد و مانعی در برابر رشد قیمت بود نه الگوهای تاریخی بلکه ریسک اصلی پیش روی بازار یعنی بازار جهانی است. به‌صورت کلی می‌توان گفت خطایی که در بازار سهام مشاهده می‌شود علاقه بسیار زیاد به کلی‌نگری است. بر این اساس تکیه بر نسبت‌های کلان می‌تواند این اشتباه را به دنبال داشته باشد که سهام به منطقه حباب رسیده است و همچنین حکم قطعی برای کل بورس داده شود. گرچه با ریسک‌ها و فرصت‌های موجود در فضای کلان اقتصادی و سیاسی نوسان سهام توجیه‌پذیر است اما این که جزئیات نادیده گرفته شود می‌تواند از طرفی به ارزیابی اشتباه از حباب سهام یا از سوی دیگر به ارزیابی اشتباه از ارزندگی منجر شود. همان‌طور که در هفته‌های گذشته به نقد حکم کلی که بعضاً برای حباب قیمتی سهام صادر می‌شد پرداخته شد در این گزارش به سمت دیگر طیف پرداخته می‌شود. نمونه بارز تشکیل حباب قیمتی در سهام را می‌توان سهام زیرمجموعه بازار پایه عنوان کرد. با این حال همین ابتدا لازم است تاکید شود که این حکم حباب در بازار پایه نیز تمامی شرکت‌ها را شامل نمی‌شود. برای برخی از شرکت‌های زیرمجموعه این بازار نیز می‌توان نشانه‌هایی از ارزندگی را به هر بهانه‌ای پیدا کرد. در این شرایط لازم است که معامله‌گران سهام اندکی الگوهای نموداری خود را کنار گذاشته و به واقعیت‌های موجود توجه داشته باشند.

### آقای تاجزاده؛ دولتها بیشتر در اختیار همفکران شما بوده است

**فارس:** چندی قبل، آقای دکتر احمد توکلی در مصاحبه با روزنامه ایران به برخی ناهنجاری‌های ساختاری و یا رفتاری در طی چهل سال از گذشت انقلاب اسلامی، اشاره نمود. ایشان به طور خلاصه، گریزی به مخدوش شدن اعتماد عمومی بین مردم و حاکمیت - ناکارآمدی سیستم حاکمیتی - ترویج فرهنگ رفاه‌طلبی - عدم احساس آزادی و بهره‌برداری از حقوق شهروندی - رفتار ناشایست برخی نیروی‌های انقلابی با مردم در اوان انقلاب و استمرار آن - تضعیف احساس خیرخواهی حاکمیت نزد افکار عمومی - گسترش فساد و افزایش شدید حجم آن - عدم فرهنگ آزادی‌خواهی در مطبوعات و بالاخره حاکمیت فرهنگ نئولیبرال در عرصه اقتصاد کشور داشت.

مصاحبه آقای توکلی از دو منظر قابل دقت است. نکته اول اینکه ایشان قدری در طرح نظراتشان مسیر افراط را پیموده‌اند. شاید تلاش ایشان برای اثبات درستی دیدگاه‌هایشان و اهمیت آن، باعث گردیده که به بزرگ‌نمایی بیش از اندازه ناهنجاری‌ها و کاستی‌ها پردازند. اما نکته دوم که در مصاحبه ایشان قابل تقدیر است اینکه، ایشان فارغ از دیدگاه‌های سیاسی و جناحی و بدور از تعصبات معمول به ارزیابی عملکرد حاکمیت جمهوری اسلامی و کاستی‌های آن پرداختند که جای تشکر دارد. متأسفانه پس از مصاحبه ایشان، نامه‌ای از سوی آقای مصطفی تاجزاده نگاشته شد که بویی از داوری منصفانه و بدون غرض نداشت و مطابق معمول مکاتبات نامبرده، مملو از تنگ‌نظری‌ها و اتهامات جناحی و تکراری بود. ای کاش جناب ایشان هم همانند مصاحبه آقای توکلی، به طرح نظراتشان و نقادی مصاحبه با همان سبک و سیاق منصفانه می‌پرداختند که چنین نشد.

لاجرم چون آقای تاجزاده با دیدگاه خاص جناحی و سکولار خود به نقد مصاحبه آقای توکلی پرداخته، باید با همان سیاق به ایشان پاسخ داد. ایشان نوشته‌اند که ناهنجاری‌های اشاره شده در مصاحبه آقای توکلی طی سالهای پس از انقلاب، قابل اجتناب بود و اراده جدی در حاکمیت برای جلوگیری از آن وجود نداشت. باید سؤال کرد که آیا دولت‌های پس از پیروزی انقلاب به جز دوره هشت ساله آقای احمدی‌نژاد- از دوستان و هم‌جناحی‌های شما بوده است یا خیر؟ دولت زمان جنگ که از مدیران جناح چپ بود و در اوان فعالیت نیز چند وزیر ناهمگون نیز از دولت کناره‌گیری نمودند. دولت مرحوم آقای هاشمی نیز عموماً از مدیرانی بود که از چهره‌های مؤثر جریان اصلاحات در سالهای بعد شدند و دولت اصلاحات و دولت روحانی نیز که جای بحث ندارند.

### من در چهره این مرد، محمد رسول‌الله را دیدم

**جهان نیوز:** انقلاب پیروز شد و امام به ایران آمد. ابراهیم می‌گوید با دوستانم یک سال کارگری کردیم و پول‌ها را پس‌انداز کردیم تا به ایران بیایم و در جشن یک‌سالگی پیروزی مردم ایران شرکت کنیم. هواپیما در فرودگاه مهرآباد نشست. درها که باز شد، متوجه شد که با پیراهنی معمولی از آفریقا راهی شده و اکنون با سرمای بهمن ایران مواجه است. دنبال امام می‌گردند و می‌فهمند که ایشان در قم ساکن هستند. به او می‌گویند امام تا سالگرد پیروزی انقلاب به تهران می‌آیند. ۲۲ بهمن فرامی‌رسد و جشن پیروزی برگزار می‌شود؛ اما امام به تهران نمی‌آیند. پول ابراهیم و دوستانش تمام می‌شود و نمی‌توانند به قم بروند. این‌ها اویس‌هایی بودند که امام‌شان را ندیدند و به کشورشان برمی‌گردند.

سال بعد، دوباره به ایران می‌آیند؛ اما این بار به دعوت سفارت ایران. در جشن‌های پیروزی انقلاب شرکت می‌کنند و در روز آخر حضور در ایران، به دیدار حضرت امام می‌روند. دوستان ابراهیم می‌گویند او آمد و نشست و چشم دوخت به امام. پلک هم نمی‌زند. صحبت‌های امام تمام می‌شود و او هیچ دوست ندارد این جلسه تمام شود. پس از پایان جلسه و هنگام رفتن، همه مهمان‌ها می‌آیند و از امام خداحافظی می‌کنند. ابراهیم به امام می‌رسد و می‌گوید نمی‌خواهید به مردم نیجریه پیام بدهید؟ امام یک قرآن به او می‌دهد و می‌گوید: سلام مرا به مردم نیجریه برسانید و به آن‌ها بگویید که همه حرف خمینی همین است: قرآن. ما آمده‌ایم قرآن را در کشور خود پیاده و کمک کنیم که دیگران هم قرآن را در کشورشان پیاده کنند. به آن‌ها بگویید خمینی غیر از قرآن هیچ ندارد.

دوستان ابراهیم می‌گویند وقتی در هواپیما نشسته بود، قرآن را در دست گرفته و اشک می‌ریخت. می‌گفت من در چهره این مرد، موسی را دیدم؛ عیسی را دیدم؛ ابراهیم خلیل‌الله را دیدم؛ محمد رسول‌الله را دیدم. از این به بعد، دین من خمینی است.

